

## بار دیگر غزه! بار دیگر شرمساری ما!

فواد شمس

دوشنبه نهم دی ۱۳۸۷

شوک زده ام. تصاویر عین فیلم سینمایی از جلوی چشمانم می گذرد. ناگهان بمب ها بر سر مردمانی در یک باریکه که هزاران کیلومتر از خیابان طالقانی و میدان فلسطین ما دور هستند، ریخته می شود اما در خیابان های شهر ما پر از پلیس باتوم به دست می شود. انگاری اینان حتی از تظاهرات های فرمایشی خودشان هم می ترسند که این همه پلیس برای کنترل تظاهرات شان آورده اند.

حالم بهم می خورد، می خواهم بالا بیاورم از این همه سو استفاده از این همه حماقت دو طرفه! حال من از این بد می شود که زمانی که می خواهم از غزه بنویسم و بگویم دست و دلم می لرزد که مراقب باشم با دیکتاتور های ریز و درشت خاورمیانه ای از عرب گرفته تا فارس یکی نشوم!

از این می ترسم که انگ حمایت از بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی نخورم! از این می ترسم که به جرم دفاع از "یک مشت عرب" آری دقیقا عبارت آن دوست من این بود در واکنش به تاسف من از کشتار مردمان نوار غزه " که بی خیال بابا یک مشت عرب را دارند می کشند"!!!! تکفیرم نکنند. در این شرایط تنها دلم می خواهد یک ناجی علی باشم و هزاران نه میلیون ها و شاید میلیارد ها "حفظه" بکشم که به کل این جهان کثیف پشت کرده باشند. اما فعلا من مثل یک حفظه تنها پشتم را به عکسها می کنم تا این همه جنایت و خون و کثافت را نبینم! تا این همه سو استفاده را نبینم! اما بدانید که غزه روزگاری انتقام خود را از تاریخ خواهد گرفت! غزه آتشفشان خشم توده های دربند است که روزگاری منفجر خواهد شد و قطعا دامنه انفجار آن تنها دامن گیر دولت اشغالگر اسرائیل نمی شود بلکه دامن آمریکا کشورهای عربی و از همه مهمتر دولت خودخوانده حماس و حامی اش یعنی دولت جمهوری اسلامی را نیز خواهد گرفت. اما تا آن روز گار من هم همراه با حفظه دستانم را در پشت کمرم گره می زنم و به تمام جهان پشت خواهم کرد.

### نوار غزه؛ حماسه مقاومت

در تاریخ معاصرو در جهان امروز کمتر نقطه ای از جهان است که به اندازه باریکه ی غزه و مردمان ساکن در آن رنج و درد را تحمل کرده باشد. در جهان معاصر که ادعای حقوق بشرخواهی و رعایت حقوق انسانها که از طرف تمامی دولتها با گرایشهای رنگارنگ گوش جهانیان را کر کرده است، در نقطه ای از جهان و در یک نوار باریک در کنار صحرای سینا و دریای مدیترانه میلیون ها انسان تحت سخت ترین شرایط ممکن زندگی را همراه با مرگی که در همان نزدیکی ها انتظارشان را می کشد، تجربه می کنند.

اما متأسفانه مسئله کشتار مردم نوار غزه در میان افکار عمومی ما جوانان ایرانی و دانشجویان ایرانی، مظلومیتی چند برابر دارد. می دانم که تك تك شما که تیر این مطلب را دیده اید نا خود آگاه احساس بی تفاوتی و یا کسلی و بی حوصلگی کرده اید و با خود گفتید " آه باز فلسطینی ها؟! " همه ما هر روز این عبارات را می شنویم که "خودمان

این همه بدبختی در مملکتمان داریم اما چرا همش به فلسطینی ها پرداخته می شود؟" و یا این سوال را مطرح می کنیم "چه لزومی دارد این همه در مورد مردم عرب فلسطین صحبت بشود؟ مگر مردم ایران خودشان مشکل ندارند؟" این همه بی حوصلگی و بی تفاوتی و بعضا نفرت از مسئله ستم بر مردم فلسطین در میان جوانان و دانشجویانی ایرانی به طور قطع از آن جا نشات گرفته که متأسفانه حاکمیت ایران و تریبون های دولتی در ایران آن چنان مسئله فلسطین و حمایت از مردم آن جا را دست آویز برنامه های تبلیغاتی خود کرده اند که دیگر برای همه ی ما مسئله لوس شده است. آن قدر از رادیو و تلویزیون دولتی در مورد فلسطین شنیده ایم که خسته شده ایم. آن قدر به نام مردم فلسطین تبلیغات دولتی کرده اند که انگار کودکان و زنان و مردان تحت ستم در فلسطین عامل اصلی تمامی مشکلات اقتصادی و معیشتی و نبود آزادی های سیاسی و اجتماعی در ایران هستند.

متأسفانه همواره در طول تاریخ دولت ها و حکومت هایی بوده اند که از ظلم و ستم بر يك ملتى سو استفاده کرده اند. در رابطه با همین مسئله فلسطین دولت های عقب مانده و ارتجاعی عربی از دولت صدام حسین گرفته تا دولت ملك عبدالله و پان عربهای جمال عبدالناصری گرفته تا معمر قذافی مجنون! همه و همه از آرمان مردم تحت ستم فلسطین برای خود نردبانی ساختند تا از آن بالا بروند و خود را رهبر "خلق عرب" معرفی کنند و یا سردسته "امت اسلامی واحده" و.... و پشت آرمان مردم فلسطین پنهان شوند و عملکرد نادرست و ستم کارانه ی خود را در قبال مردم کشور خودشان توجیه کنند. البته این قبیل کار ها تنها مختص دولت های عرب منطقه نیست شاید در مورد جامعه ی خود ما هم این چنینی باشد.

در این جا سوال من این است که آیا این همه دلیلی می شود که ما رنج و ستمی که به مردم فلسطین از طرف دولت اشغال گر اسرائیل می رود را نادیده بگیریم؟ آیا این دلیلی می شود که قطع برق و آب و نبود نان، دارو و سوخت را در نوار غزه که پر تراکم ترین نقطه کره زمین است را نادیده بگیریم و با بی تفاوتی به مرگ میلیون ها انسان و کودک، زن و مرد که از همچون ما انسانند از کانال های تلویزیون بنگریم؟

به نظر می رسد بهتر آن است که ما مقوله ی ستم به انسان ها را و رای بازی های سیاسی مرسوم و سو استفاده های احتمالی برخی از دولت ها بنگریم. باید به ستم بر هر انسانی و رای محل زندگی اش، ملیت اش، قومیت اش، نژادش، طبقه اش، جنسیت اش و... تنها به حکم انسان بودن اش اعتراض کنیم.

نوار غزه اکنون تبدیل به يك آتشفشان خشم انسان ها شده است که از ستم چندین ده ای خسته شده اند. نوار غزه نقطه تاریکی بر دامن دنیای مردن و مدعی رعایت حقوق بشر شده است نوار غزه اکنون در سکوت می سوزد، اما دیری نمی باید که منفجر خواهد شد و قطعا دامنه ی این انفجار چنان وسیع است که نه تنها دامن دولت اشغال گر اسرائیل را خواهد گرفت، بلکه دامن برخی از دولت های دیگر خاورمیانه که برای نا آرام کردن و عدم برقراری صلح میان مردمان اسرائیل و فلسطین تلاش کرده اند نیز خواهد گرفت.

راه حل نهایی فلسطین همانی است که خود مردم فلسطین از عرب تا یهود از مرد تا زن می خواهند. راه حل مسئله فلسطین آن است که دولت های منطقه و قدرت های امپریالیستی فرا منطقه ای خصوصا آمریکا در تعیین سرنوشت مردم فلسطین دخالت نکنند و بگذارند خود مردم فلسطین انتخاب آزادانه ی خود را بکنند. راه حل مسئله فلسطین آن است که در فردایی که قطعا روزی فرا خواهد رسید، باد های تغییر در آن سرزمین به وزش در بیاید و از باغ های

پرتقال حیفا به سواحل تل آویو به سمت نوار غزه و اورشلیم و بیت لحن و الخلیل برود!  
مسئله فلسطین زمانی حل می شود که کودکان عرب و یهود در آن سرزمین در فردایی که قطعا می آید رویا هایشان را همچون برگ زیتونی بر نوك کبوتر سفید صلح بنشانند و دست در دست هم سرود آزادی و صلح برای تمامی انسان ها بخوانند.

این رویا روزی تحقق مییابد که ما برخلاف آن چیزی که خیلی ها میخواهند مسئله فلسطین را نه از دریچه دوربین ها تلویزیونی دولتی و تریبونهای رسمی و حکومتی بلکه از دیدی انسانی بنگریم و نسبت به آن بی تفاوت نباشیم.

فواد شمس

۱۳۸۷/۱۰/۸

سلام دمکرات